

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: حسین بهادری

فرستنده: علی مشرف

۲۶ اکتوبر ۲۰۱۹

اکتوبر ۱۹۱۷ انقلاب جاودانه در تاریخ مبارزه طبقاتی



انگلس در سال ۱۸۸۳ در پیشگفتار نسخه المانی کتاب مانیفست حزب کمونیست می نویسد: سراسر تاریخ عبارت بوده است از تاریخ مبارزات طبقاتی، مبارزه بین استثمارکنندگان و استثمار شوندهگان، بین طبقات حاکم و محکوم در مدارج گوناگون تکامل اجتماعی و نیز این که اکنون این مبارزه به جایی رسیده است که طبقه استثمار شونده و ستمکش (پرولتاریا) دیگر نمی تواند از یوغ طبقه استثمار کننده (بورژوازی) رهائی یابد، مگر آن که در عین حال تمام جامعه را برای همیشه از قید استثمار و ستم و مبارزه طبقاتی خلاص کند. این فکر اساسی کاملاً و منحصرأ متعلق به مارکس است.

پرولتاریای روسیه به رهبری لنین این نظر مارکس را در انقلاب اکتوبر با به زیر کشیدن بورژوازی از اریکه قدرت سیاسی عملی کرده و طبقه کارگر و مردم روسیه را از قید استثمار سرمایه داری رها ساخت. از این منظر انقلاب اکتوبر نقطه عطفی ست در تمام مناسبات اجتماعی و سیاسی روسیه و جهان که در عمل با تأثیرات خود دنیا را تکان داد. با تغییراتی که از گنجره ۱۷ و ۱۸ در حزب بلشویک شروع شد تا فرو ریختن دیوار برلین در سال ۱۹۸۹ او به دنبال آن فروپاشی شوروی در ۱۹۹۱ کره زمین لرزید و کاملاً وارونه شد. در این دنیای وارونه برای درس آموزی از گذشته ضرورت دارد نگاهی دوباره داشته باشیم به اوضاع جهان در آستانه انقلاب اکتوبر، پروسه

شکل گیری انقلاب، تأثیرات آن به خصوص بر حقوق زنان و جامعه ایران، قیام های برآمد از تأثیرات انقلاب اکتوبر در ایران، مخالفت ها با انقلاب اکتوبر.

اشاره به اوضاع جهانی در آستانه انقلاب اکتوبر از این منظر حائز اهمیت است که شرایط امروزی جهان شباهت های زیادی با آن دوران دارد. امروز سرمایه داری می خواهد بحران اقتصادی، سیاسی و ساختاری خود را با ادامه دادن به جنگ های منطقه ئی موجود و گسترش آنها حل کند. نگاهی به خاورمیانه نشان می دهد در جنگ های نیابتی قدرت های امپریالیستی و مرتجعین منطقه ئی برای نفوذ هر چه بیشتر در منطقه، کشورهای عراق سوریه، یمن را به ویرانه تبدیل کرده اند. همین طور در آستانه انقلاب اکتوبر، کشورهای سرمایه داری در سال ۱۹۱۴ تحت نام دفاع از میهن جنگ جهانی اول را شروع کردند. اما در واقعیت این جنگ برای تقسیم مجدد جهان بود. رهبران انترناسیونال دوم و دیگر شرکاء با تزه های من در آوردی و تبلیغات، آتش بیار معرکه شدند. کشورهای سرمایه داری برای به دست آوردن مناطق تحت نفوذ و مستعمرات از مردم جهان به ویژه کارگران و زحمتکشان به مثابه گوشت دم توپ استفاده کردند. این جنگ امپریالیستی - نه میلیون و نهصد و یازده هزار (۹۹۱۱۰۰۰) کشته، بیست و یک میلیون و دوصد و نوزده هزار و پانصد (۲۱۲۱۹۵۰۰) زخمی و هفت میلیون هفتصد و پنجاه هزار - مفقود اثر به جا گذاشت.

در این زمان هشتاد و پنج درصد جمعیت روسیه به کشاورزی تحت سلطه زمین داران و کولاک ها وابسته بود. کارگران صنایع تولیدی در شرایط سخت با بیش از ۱۲ ساعت برای کمترین دستمزد روزانه کار می کردند. یک سوم کارگران زن بودند و دستمزدشان نصف دستمزد مردان بود. هیچ قانون کاری برای زنان وجود نداشت. فقط ۱۷ درصد زنان باسواد بودند. طول عمر متوسط زنان ۳۴ سال بود. جنگ باعث کشته شدن هزاران نفر در جبهه ها، گرسنگی و بی خانمانی در روستاها و شهرها شده بود. کمبود مواد غذایی عرصه را بر کارگران و زحمتکشان روستائی و شهری تنگ کرده و جان هزاران کودک را گرفته بود. در چنین وضعی و در بحبوحه جنگ، لنین پیشاپیش حزب بلشویک «تبدیل جنگ جهانی به جنگ داخلی» را، تنها راه رهائی از جنگ، گرسنگی، بی خانمانی و برقراری صلح دانست. او راهکار را در شکست بورژوازی خودی اعلام کرد و کسب قدرت سیاسی را در پروسه یک قیام همگانی در برابر کارگران، دهقانان و مردم زحمتکش روسیه و جهان قرار داد.

پیش در آمد انقلاب اکتوبر به قدرت رسیدن الکساندر کرنسکی در فبروری ۱۹۱۷ بود.

در اواخر فبروری ۱۹۱۷ با پابندی کرنسکی به ادامه جنگ امپریالیستی جرقه انقلاب زده شد.

در ۲۳ فبروری با پیوستن زنان کارگر نساجی به تظاهرات مطالباتی زنانی از قشرهای مختلف جامعه که با شعار «غذا برای کودکان مدافعان میهن» برای به دست آوردن تکه نانی برای سیر کردن شکم فرزندان گرسنه خود شروع شده بود، تبدیل به شعار های «نان»، «صلح» و «مرگ برتزار» شد. ده ها نفر از زنان کارگر نساجی به مثابه بخشی از نیروی محرک انقلاب برای بسیج سایر کارگران به کارخانه ها می رفتند و از کارگران می خواستند به اعتصاب بپیوندند. حزب بلشویک فراخوان برای اعتصاب عمومی منتشر کرد. بیش از ۲۰۰ هزار نفر به اعتصاب پیوستند. با بر چیده شدن بساط سلطنت مبارزه برای حق رأی زنان شدت گرفت. تظاهرات زنان برای نان و صلح در فبروری ۱۹۱۷ سرآغاز انقلابی شد که جهان را لرزاند و افق تازه ای در برابر طبقه کارگر و زحمتکشان روشن کرد. اما دولت کرنسکی به رغم گسترش اعتراضات به وعده خاتمه دادن به جنگ عمل نکرد در نتیجه تظاهرات ضد جنگ ادامه یافت. در پس سرکوب مبارزات ضد جنگ در اگست ۱۹۱۷ کارگران به مقابله برخاستند و زنان در دفاع از پتروگراد (لنین گراد) در خیابان ها سنگر بندی کردند و طی حدود دو ماه اعتصاب و

تظاهرات و نبرد مسلحانه در ۲۵ اکتوبر خیابان ها به تصرف مردم درآمد. تحت رهبری حزب بلشویک با تصرف ساختمان های دولتی و کاخ زمستانی انقلاب به پیروزی رسید. با پیروزی انقلاب اکتوبر در عمل ثابت شد که - کار برد تئوری سوسیالیسم علمی همراه با عمل مستقیم سیاسی، - اتکاء به درک قانونمندی های تکامل جامعه، برقراری پیوند انقلابی با طبقه کارگر و توده های تحت ستم، موارد لازم برای پیروزی انقلاب در یک جامعه سرمایه داری است. روسیه سال ۱۹۱۷ از چنین موقعیتی برخوردار بود.

لنین ضمن تشریح پروسه انقلاب روسیه سه شکل عمده مبارزه پرولتاریا در راه رهایی خویش، یعنی مبارزه اقتصادی، سیاسی و ایدئولوژیک تصریح می کند که طولانی ترین و دشوارترین این سه شکل مبارزه، مبارزه ایدئولوژیک است. لنین در کتاب «چه باید کرد؟» درباره شفافیت مبارزه ایدئولوژیک می نویسد: «مسأله فقط بدینسان می تواند مطرح باشد: یا ایدئولوژی بورژوائی یا ایدئولوژی سوسیالیستی. میان این دو چیزی وجود ندارد... بدین جهت هرگونه کم بها دادن به ایدئولوژی سوسیالیستی و هرگونه دوری جستن از آن، معنایش تقویت ایدئولوژی بورژوائی است».

لنین متذکر می شود لازمه رشد سوسیالیسم علمی در پروسه مبارزه طبقاتی باید «اختلاف نظرها را لاپوشانی نکرد و به نیرنگ های دیپلماتیک نپرداخت...». به همان سان که «سرمایه نیروی بین المللی است. برای پیروزی بر آن اتحاد بین المللی کارگران، پیوند برادری بین المللی کارگران ضروریست... ما انترناسیونالیست هستیم.» انقلاب سوسیالیستی اکتوبر، بنا به خصلت و ماهیت خود، هرچند احترام و اعتماد و عشق طبقه کارگر و زحمتکشانش، خلق ها و ملل استعمارزده جهان را نسبت به خود برانگیخت، در مقابل، به مقدار غیر قابل تصویری نفرت و دشمنی سرمایه داران را به مثابه استعمارگران و غارتگران بین المللی، دشمنان صلح و آزادی، انسانیت را نصیب خود ساخت.

الکساندر برمینسکی شاعر بزرگ شوروی آموزش های لنین در باره حزب پرولتری تراز نوین را در سمفونی شماره ۲ «دیتمتری شوستاکویچ» جاودانه می سازد:

« ما در طلب کار و نان راه افتادیم،

قلب هایمان اسیر غم بود

دودکش های بلند کارخانه

چون بازوانی نحیف

- ناتوان از گره کردن مشتها -

سر بر آسمان داشت.

سرنوشت ما، با کلمات هول انگیز

سکوت،

عذاب،

ظلم،

رقم خورده بود.

تفنگ ها بر فراز سکوت و عذاب و فقر

به غرش درآمدند

آ... ی لنین

تو از رنج، عزمی پولادین ساختی
از دستان پینه بسته، قدرتی آهنین
و ما دریافتیم که سرنوشت ما
با مبارزه رقم خورده است. **
**بخشی از ترجمه سمفونی ۲ شوستاکویچ

تأثیرات و دستاورد های انقلاب اکتوبر:

- کارگران آگاه به مبارزه طبقاتی در حزب بلشویک، با سرنگون کردن سلطه بورژوازی در روسیه تزاری آگاهانه جامعه نوینی پی ریزی کردند، که خواست و آرمان دیرینه بشریت تا به امروز است.
- انقلاب سوسیالیستی اکتوبر در عمل ثابت کرد که طبقه کارگر قادر است تحت رهبری حزب سیاسی خود، با تطبیق دادن مسائل عام کمونیسم علمی بر شرایط مشخص جامعه اش، بر خرابه های جامعه کهن نظم نوین سوسیالیستی بنا کند.
- انقلاب اکتوبر در عمل گفته مارکس را ثابت کرد که تعیین کننده تغییر جهان است و نه تفسیر آن
- طبقه کارگر روسیه با به سرانجام رساندن انقلاب اکتوبر بر ایده ابدی بودن سرمایه داری نقطه پایانی گذاشت و در عمل ثابت کرد آلترناتیو سرمایه داری، سوسیالیسم است.
- کارگران متشکل در حزب بلشویک با سازمان دادن یکنسب های کمونیستی از یک کشور عقب مانده فئودال - امپریالیستی کشور قدرتمند سوسیالیستی ساختند که حجم تولیدات صنعتی آن در سال ۱۹۳۷ از همه کشورهای اروپایی بیشتر بود. و در آن خبری از گرسنگی، بی خانمانی و بیکاری نبود.
- قبل از انقلاب بیسوادی در کل کشور بیداد می کرد. فقط ۴,۲۸ دهم درصد اهالی روسیه سواد داشتند. در سال ۱۹۲۶ یعنی ۹ سال پس از انقلاب با وجود شرایط سخت سیاسی و اقتصادی، جنگ داخلی و ... تعداد افراد باسواد به ۶,۵۶ دهم درصد رسید. این نسبت در میان زنان روستائی ۷,۴۲ دهم درصد شد.
- برقراری نظام سوسیالیستی در شوروی به روشنی در عمل به مردم جهان نشان داد که رهائی همه جانبه زنان فقط از راه سوسیالیستی ممکن است. و «پرولتاریا نمی تواند بدون آزادی کامل زنان به آزادی کامل دست یابد.»
- با لغو قوانین ارتجاعی و تصویب قوانین برابری انسان ها، زنان در اتحاد شوروی با رها شدن از ستم مضاعف به آزادی کامل نزدیک تر شدند.
- در ۱۱ نومبر، ۸ ساعت کار در روز به تصویب رسید. و کار شبانه را برای زنان باردار و زنانی که تازه بچه دار شده بودند، ممنوع شد.
- قوانین تأمین اجتماعی مؤرخ ۱۴ نومبر مزایای زایمان را برای همه زنان کارگر برای حداقل ۱۶ هفته تضمین نمود.
- برای نخستین بار در جهان، حق انتخاب مرخصی زمان پریرود به زنان داده شد.
- در سال ۱۹۱۸، مزایای زایمان گسترش یافت و شامل هر سه ساعت تنفس برای مادران شیرده شد.
- اتحاد شوروی نخستین کشور در جهان بود که چهارچوب قانونی را در ارتباط با زمین و کار برای زنان به وجود آورد.

– دستمزدهای برابر برای زنان با مردان را وضع کرد. چندین دهه طول کشید تا دولت‌های سرمایه‌داری زیر فشار مبارزات طبقاتی مردم خود مجبور به گذراندن چنین قوانینی شدند. (هنوز کامل نشدند)

– در دسامبر ۱۹۱۹ حزب بلشویک و دولت کارگری تحقق شعار «هر کس به یکی بیاموزد» را در دستور کار خود قرار داد. بیست سال بعد، یعنی در سال ۱۹۳۹، بیسوادی زنان در روسیه تقریباً ریشه کن شد.

– دولت کارگری با هدف رهائی زنان از قید کار خانگی و بچه داری با ایجاد کردن کمون‌ها، سالون‌های غذاخوری عمومی، رختشوی خانه‌های عمومی و مهدکودک‌ها و ... باعث شرکت فعال‌تر زنان در مسائل اجتماعی شد.

– به بطور خلاصه می‌توان گفت: نظام سوسیالیستی همه قوانین کهنه‌ای را که علیه زنان تبعیض قائل می‌شد، از بین برد و به جای آن‌ها قوانینی مقرر ساخت که به زنان در ازدواج و طلاق، حقوق برابر با مردان می‌داد. – حمایت از کودک، نفقه و حقوق برابر در داری خانواده را تضمین می‌کرد. این قوانین تفاوت بین کودکان به اصطلاح مشروع و نامشروع را از میان برداشت.

– قانون به زنان حق سقط جنین داد.

– برای نخستین بار در تاریخ جوامع بشری دولت قوانین جزائی علیه همجنس‌گرایی و دیگر روابط جنسی مورد رضایت طرفین را لغو کرد. دولت سوسیالیستی در سال ۱۹۲۳ رسماً اعلام کرد: «قانون شوروی عدم مداخله مطلق دولت و جامعه را در روابط جنسی انسان‌ها، مادام که هیچ‌کس آسیب ندیده و منافع هیچ‌کس زیر پا گذاشته نشده، اعلام می‌کند.» اما در پروسه تجربه رهائی از قوانین طلاق و لغو اولیة ثبت ازدواج، معلوم شد که تعداد زیادی از مردان و به نسبت خیلی کمتر از مردان، زنان نیز از لغو قوانین ارتجاعی سوء استفاده می‌کنند و در عمل مشخص شد به رغم مقرر کردن قوانین مترقی به علل مختلف از جمله عقاید مذهبی و افکار مرد سالاری استثمار جنسی زنان در روابط کوتاه مدت و سپس رها کردن آن‌ها، اغلب با نوزادان، بسیار رایج است. این بدکرداری و خشونت مردان روند جان‌سختی مفهوم‌های پدرسالارانه را نشان می‌داد. و این توهم که تغییر در شرایط مادی به طور خودکار به شکست ایدئولوژی‌های برتری مردان منجر خواهد شد، را از بین برد. قوانین اصلاح شدند، ثبت ازدواج اجباری شد، پرداخت نفقه تضمین شد، قوانین طلاق که مردها از آن سوءاستفاده می‌کردند برای آن‌ها سخت‌تر شد. در شوروی دست‌آوردهای بزرگ و عقب‌گردهائی نیز در مبارزه برای رهائی زنان وجود داشت. اما آنچه در این سال‌ها در شوروی صورت گرفت بدون شک و تردید ثابت می‌کند که آزادی زنان فقط در سوسیالیسم می‌تواند واقعیت یابد.

تأثیرات بین‌المللی انقلاب اکتوبر:

– در امریکای لاتین میراث انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷ یک خاطره نیست، یک واقعیت زنده است. یکی از رهبران نظامی انقلاب مکزیکو در سال ۱۹۱۹ تأثیر انقلاب اکتوبر را خیلی ساده و روشن چنین بیان کرد: «من نمی‌دانم سوسیالیسم چیست، اما مانند همه میهن‌پرستان مکسیکوئی، من یک بلشویک هستم. یانکی‌ها از بلشویک‌ها خوششان نمی‌آید، آن‌ها دشمنان ما هستند؛ بنابراین، بلشویک‌ها باید دوستان ما باشند، و ما باید دوستان آن‌ها باشیم. ما همه بلشویک هستیم.»

– «نخستین کنفرانس احزاب کمونیست امریکای لاتین» در سال ۱۹۲۹ در بوئنوس آیرس، ارجنتاین برگزار شد. در این اجلاس ۳۸ نماینده از ارجنتاین، برزیل، بولیوی، السالوادور، گواتمالا، کوبا، کلمبیا، اکوادور، مکزیکو، پاناما،

پاراگوئه، پرو، اوروگوئه و ونزوئلا شرکت کردند. کنفرانس تصویب کرد که انقلاب در امریکای لاتین باید مضمون ضدامپریالیستی داشته باشد،

– در این دوره احزاب کمونیست در افریقای جنوبی، هند، هندوچین، اندونزی، سودان، عراق، ویتنام، ایران و ... تأسیس شدند.

تأثیرات انقلاب اکتوبر بر جنبش کارگری و کمونیستی ایران :

– کارگران ایرانی شاغل در صنایع قفقاز در اواخر دهه ۸۰ قرن ۱۹ تحت تأثیر فعالیت سوسیال – دموکرات های روسیه در دفاع از منافع طبقه کارگر و دیگر زحمتکشان با شرکت در جنبش های موجود در منطقه با ایده های سوسیالیستی آشنا شدند. انتشار روزنامه ها و پشتیبانی حزب سوسیال – دموکرات روسیه از انقلاب مشروطیت به رشد و نفوذ نیروهای سوسیالیستی در جنبش ضد استبدادی و استعماری مردم ایران کمک کرد.

– با ایجاد انجمن ها و کمیته های مخفی در شهرهای تبریز، رشت، مشهد، تهران، انزلی، مرنده، اردبیل، قزوین، زنجان مبارزات کارگران و مردم ایران وارد فاز نوینی شد.

– حزب عدالت در اوج جنبش های آزادیبخش آذربایجان، گیلان و خراسان توسط کارگران شاغل در صنایع نفت باکو به رهبری اسدالله غفارزاده، سلطان زاده، جعفرپیشه وری، کریم نیک بین، حیدرعمواوغلی و ... در اردیبهشت [ثور] ۱۲۹۶ (مه ۱۹۱۷) ایجاد شد که از تأثیرات حزب بلشویک بود.

– برگزاری اولین کنگره حزب کمونیست ایران در اواخر سال ۱۲۹۹ شمسی جولای (۱۹۲۰) در بندرانزلی به مثابه نخستین حزب تراز نوین آگاه به سوسیالیسم علمی در خاورمیانه نه تنها سیمای سیاسی – اجتماعی ایران را تغییر داد بلکه معادلات سیاسی امپریالیست ها را هم در منطقه به هم زد.

– تأثیرات عملکرد انقلاب کارگری شوروی در ایران باعث رشد و استمرار جنبش های انقلابی جنگل، قیام خیابانی، قیام های خراسان و آذربایجان شد.

– انقلاب اکتوبر ایران را از یوغ روسیه تزاری آزاد کرد. کشور شوراها در نخستین بیانیه مؤرخه جنوری ۱۹۱۸ خود اعلام کرد: «شورای کمیسرهای ملی قرارداد ۱۹۰۷ انگلیس و روس را که علیه آزادی و استقلال مردم ایران متوجه بود، برای همیشه فسخ شده اعلام می دارد. شورای کمیسرهای ملی همچنین کلیه موافقت نامه هائی را که قبل از قرارداد نامبرده در فوق یا پس از آن منعقد شده اند و به نحوی از انحاء حق موجودیت آزادانه و مستقلانه مردم ایران را محدود می کنند یا تحت فشار قرار می دهند فاقد هرگونه اعتباری اعلام می دارد.»

– دولت جماهیرشوروی در ادامه سیاست پرولتری خود با انتشار بیانیه ای اعلام می کند: «دولت شوروی روسیه نظر به اعلان نفی سیاست مستعمراتی سرمایه داری که باعث بدبختی ها و خون ریزی های بیشمار بوده و می باشد از کارهای اقتصادی روسیه تزاری که قصد از آن ها اسارت اقتصادی ایران بوده صرف نظر می نماید. بنابراین دولت شوروی روسیه تمام نقدینه و اشیای قیمتی و کلیه مطالبات و بدهی بانک استقراضی ایران و همچنین کلیه دارائی منقول و غیرمنقول بانک مزبور را در خاک ایران به ملکیت کامل ایران واگذار می نماید (منبع قرارداد ۱۹۲۱ شوروی با ایران)

– اقدام دیگر شوروی، لغو کاپیتولاسیون و به رسمیت شناختن حقوق برابر مردم ایران و شوروی در تمام زمینه های اقتصادی و اجتماعی بود. در مقابل عملکرد دولت کارگری جای دارد در همین برهه تاریخی نگاهی به آمار تکان دهنده جنایات جنگی امپریالیسم انگلستان در ایران در فاصله سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ داشته باشیم. آقای محمد قلی

مجد براساس اسناد، مدارک و گزارش های موجود و همچنین با استناد به گزارشات نیروهای انگلیس در کتاب «قحطی بزرگ» می نویسد: «نیروهای انگلیس... در صدد آن بودند تا با پرداخت پول و حتی گاهی به زور انبارهای خود را از غله و آذوقه جمع آوری شده توسط مردم پر کنند. آن ها نه تنها تمامی آذوقه موجود در بازار را خریداری و احتکار می کردند بلکه... به گزارش کالدول نیروهای انگلیس در احتکار غذا برای نیروهای خود در ایران قانع نبودند و گستاخانه در عین قحطی در ایران مواد غذایی را برای سربازان و مرتجعینی که علیه کشور شوراها می جنگیدند به باکو نیز ارسال می کردند. در نتیجه سیاست ضدبشری امپریالیسم انگلیس... چنان قحطی در کشور بروز کرد که بین سالهای ۱۹۱۷ تا ۱۹۱۹ بیش از ۴۰ درصد مردم ایران در مجموع ۹ میلیون را به کام مرگ برد» (برای اطلاع بیشتر به نوشته قحطی ۱۲۹۸-۱۲۹۶ ایران مراجعه کنید).

به جرأت می توان گفت از انقلاب مشروطیت تا کودتای ننگین ۲۸ مرداد [اسد] ۱۳۳۲ در رشد و تکامل مبارزات سیاسی و اجتماعی طبقه کارگر و مردم ایران هیچ ایده اجتماعی به اندازه انقلاب اکتوبر تأثیر نداشته است.

مخالفت با انقلاب اکتوبر:

مخالفت با انقلاب در روسیه ریشه در تاریخ دارد ابتداء رهبران انترناسیونال دوم به گفته های مارکس و انگلس که انقلاب باید در یک مجموعه از کشورهای متمدن و پیشرفته یعنی حداقل در انگلستان، امریکا، فرانسه، المان، هالند و... باهم صورت خواهد گرفت، آویزان شدند و با انقلاب روسیه مخالفت کردند. در مقابل مخالفت رهبران انترناسیونال دوم لنین می گفت: «ما همیشه گفته ایم که ما فقط یک حلقه تنها در زنجیر انقلاب جهانی به شمار می رویم... ما همیشه به یاد داشته ایم و هرگز فراموش نخواهیم کرد که امر ما امریست بین المللی و این که تا انقلاب در تمام سر زمین ها و از جمله غنی ترین و متمدن ترین آن ها به وقوع نپیوندد، پیروزی ما یک نیمه پیروزی و شاید کمتر نیز باشد.»

گذشته از مخالفت رهبران انترناسیونال دوم در مورد کمبودها و کاستی ها به ویژه نقد دموکراسی و قدرت سیاسی از نخستین روزهای انقلاب اکتوبر رهبرانی همچون رزا لوکزامبورگ، پانه کوک، شرودر و... به بررسی و نقد دموکراسی در پروسه انقلاب اکتوبر و در قدرت سیاسی پرداختند. اما هدف این رهبران برای یافتن راه در عملی کردن دموکراسی پرولتری که همان اعمال دیکتاتوری طبقه کارگر علیه سرمایه داری سرنگون شده، بود. ولی منتقدان ضد کمونیست و چپ های پشیمان از عملکرد گذشته خود، امروز هدفی جزء تخریب سوسیالیسم ندارند. در مرکز مخالفت های این طیف نفی دیکتاتوری طبقه کارگر قرار دارد.

کلام آخر

در حال حاضر، امپریالیست ها کماکان بر طبل جنگ و تحریم می کوبند و با به راه انداختن جنگهای مذهبی و ملی، به تفرقه افکنی بین صفوف کارگران و ملت ها دامن می زنند. در همین راستا آن ها با به وجود آوردن باندهای تروریستی و حمایت مالی و تسلیحاتی از جانوران داعشی و النصری و... به عبث تلاش می کنند، در خاورمیانه و شاخ افریقا سد راه استقلال طلبی کشورها شوند.

اما باید در نظر داشت که دوران تاریخی مبارزاتی نوینی نیز پدید آمده است. اعتراضات علیه بیکاری، بی خانمانی، فقر و جنگ های اشغالگرانه و اعتراضات میلیون ها نوجوان و جوان برای حفظ محیط زیست در پهنه جهان گسترش می یابد و تلاش برای ساختن یک زندگی بهتر و انسانی هر لحظه اوج بیشتری می گیرد. عمر استعمار

کهن و نو به سر آمده و به رغم گزافه گوئی امپریالیسم امریکا، «جهان یک قطبی» مطلوب جهان خواران فرو ریخته و سلطه دالر در حال افول است. در یک کلام جهان سرمایه داری همچنان در بحران ساختاری به سر می برد. در حالی که اندیشمندان و اقتصاد دانان سرمایه داری برای برون رفت از بحران، سعی در عقب راندن سیر تاریخ دارند، طبقه کارگر و مردم آزادیخواه جهان هر چه بیشتر به سوسیالیسم گرایش پیدا می کنند. در چنین شرایطی است، که ققنوس آتش افروز انقلاب اکتوبر، بار دگر در قامت تشکل یابی طبقه کارگر می رود تا با تدارک و سازماندهی انقلابات آزادیبخش و سوسیالیستی، با تجربه اندوزی از انقلاب اکتوبر، آتش بر هستی سرمایه داری افکند.

جاودانه باد خاطره پرشکوه انقلاب اکتوبر ۱۹۱۷